بررسی ناهنجاری‌های اجتماعی و خانوادگی در ایران

طلاق، شکست یک زندگی یا انتخاب آگاهانه؟

بر خلاف نظریات کلیشه‌ای رایج در فضای رسانه‌ای کشور نه ازدواج همیشه خوب است و نه طلاق همیشه بد. خیلی از ازدواج‌ها روی سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی افراد اثر مفید دارند. ولی بعضی از ازدواج‌ها هم روی سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی اثر مخرب دارند. همین گزاره در مورد طلاق نیز صحیح است. بنابراین هم ازدواج خوب داریم، هم ازدواج بد. هم طلاق خوب داریم، هم طلاق بد.





آذر فخری، روزنامه‌نگار

آمار نشان می‌دهد، میزان طلاق در کشور، به ۲۰ مورد در ساعت رسیده است. شنیدن این واقعیت، ممکن است موجب نگرانی شود و خیلی از ما‌ها را به فکر فرو ببرد؛ این که چرا چنین اتفاق ناگواری، به میزان وسیعی در جامعه ما شیوع پیدا کرده است. این که چرا از هر سه ازدواج، یک مورد آن به طلاق منجر می‌شود. این خبرها و آمارها باید ما را ناراحت کنند. اما باید همین جا حواس‌مان جمع باشد که بسیاری از خوانندگان این مطلب، ممکن است جزو افرادی باشند که از زندگی مشترک خارج شده‌اند. به هر حال امروز، میزان طلاق آن قدر زیاد است که شامل غالب افراد جامعه می‌شود.

خود کلمه و فعل «طلاق» فی‌نفسه ناراحت و مضطرب کننده است، اما دیگر نه به اندازه گذشته. بگذارید با این ماجرا کنار بیاییم که به هر دلیلی، قبح طلاق تا حدود زیادی از بین رفته است و مردان و زنان بسیاری، با توافق یا بی‌توافق و با انجام مراحل حقوقی، رشته پیوندی به نام ازدواج را از هم می‌گسلند و از این کار خود، احساس پشیمانی یا اندوه نمی‌کنند. در مورد خجسته دانستن چنین اتفاقی، اشاره به «جشن‌های طلاق»! کافی به نظر می‌رسد.

در گذشته البته این طور نبود. اگر نه برای مرد، اما طلاق برای هر زنی، ننگ و آبروریزی بزرگی به حساب می‌آمد. داستان ازدواج برای دختر، با دو پوشش سفید شروع و تمام می‌شد. در غیر این صورت، یک زن مطلقه، زنی بود که نتوانسته بود از پس زندگی بربیاید، یک زن بی‌عرضه سربه‌هوا بود و حتما عیب و ایرادی در اخلاق و روان و جسمش وجود داشت که کارش به جدایی کشیده شده بود. بنا به همین دلایل و نیز دخالت خانواده‌های مرجع و حاکمیت ریش و گیس سفیدی، معمولا زنان به هر طریقی که شده، زندگی مصیبت‌بار خود با همسر را ادامه می‌دادند و برای بهتر شدن اخلاق شوهر و سر به راه شدن او، مدام از سوی دیگران تشویق به فرزندآوری می‌شدند. در واقع هر وقت اختلافات زناشویی به اوج می‌رسید، در این میان یک بچه متولد می‌شد تا جو را آرام کند!

اما امروز، در جامعه‌ای که به سرعت در حال طی کردن دوران گذر خود است؛ طلاق، حداقل برای زنان، شگون دارد: هیچ زن تحصیل کرده مستقلی که دستش در جیب خودش است، حاضر نیست زندگی مشترکی را که به جسم و روان او آسیب می‌زند، تحمل کند. او ممکن است به واسطه علاقه به همسر خود مراحل ترا پی و مشاوره را هم از سر بگذراند، اما در نهایت، طلاق را انتخاب می‌کند. به این ترتیب، بله بیشترین متقاضیان طلاق در کشور ما، زنان هستند که مثل نسل مادربزرگ‌ها و مادرهای‌شان، حاضر به تحمل زندگی تحت هر شرایطی نیستند. قرار نیست به پای کسی بسوزند. قرار است خوب زندگی کنند و این زندگی خوب، الزاما در داشتن یک زندگی مشترک، خلاصه و محدود نمی‌شود.

طلاق یارها کردن

مونتسکیو می‌گوید: طلاق با رها کردن متفاوت است. اولی با رضایت طرفین ازدواج است، در حالی که دومی یک طرفه و با قهر همراه است. در واقع وقتی زن و شوهر نخواهند با هم زندگی کنند، از هم جدا می‌شوند اما برخی، بی‌آن که از هم به صورت قانونی جدا شوند، یکدیگر را رها می‌کنند. این گونه طلاق گرفتن‌های خاموش، بی‌راهه و سوپاپ اطمینان و پل ارتباطی است. شاید بعد از مدتی، با فراموش کردن دوران سخت‌شان، بتوانند باز هم زیر یک سقف و در کنار هم زندگی کنند. دکتر طباور روان شناس و استاد دانشگاه، این گونه طلاق را نوعی قهر موقت می‌داند و معتقد است این طلاق‌ها در جامعه بسیار کم دیده می‌شود و اغلب هم در سنین پایین اتفاق می‌افتد. معمولا جوان‌ها هستند که خیلی سریع تصمیم به جدایی می‌گیرند و دیگر از اسم مطلقه، طلاق و هر آن چه مربوط به دوران بعد از طلاق می‌شود، هراسی ندارند. ولی کسانی که در سنین بالا هستند، طلاق را نوعی افت شخصیتی می‌دانند و حاضر به چنین اقدامی نمی‌شوند. البته این نوع طلاق، مستلزم داشتن شرایط بعد از آن است: کسی که از وضعیت مالی مناسبی برخوردار نیست، نمی‌تواند بعد از طلاق -بهتر است بگوییم قهر کردن- شرایط زندگی را برای زن و فرزندانش مهیا کند و از طرفی بافت سنتی فرهنگ ما هم اجازه این گونه جدایی‌ها و دور از هم زندگی کردن را نمی‌دهد. به همین دلیل با رسیدن به چنین مرحله‌ای حتی خانواده‌های مرجع هم موافقند که قضیه سریع فیصله پیدا کند و طرفین از قید هم خلاص شوند. یا شرایط طوری بشود که زوج، با فراموش کردن مشکلات شان، دوباره به زیر سقف مشترک‌شان برگردند.

طلاق عاطفی

طلاق عاطفی پدیده‌ای فراگیر در کشور ماست، مسأله‌ای که بنا به محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی، اتفاق می‌افتد. آن‌ها به صورت حقوقی طلاق نمی‌گیرند چون نگران پیامدهای عاطفی، مالی، اجتماعی و فرهنگی طلاق هستند و ترجیح می‌دهند به خاطر فرزندان‌شان به زندگی مشترک ادامه دهند. به این ترتیب آمار رسمی طلاق در جامعه درصد ناچیزی از تعداد خانواده‌هایی را که در شرایط «طلاق عاطفی» به سر می‌برند نشان می‌دهد.

سید حسن موسوی چلک، رییس انجمن مددکاری اجتماعی ایران با اشاره به آمارهای رسمی منتشر شده از سوی سازمان ثبت احوال کشور، می‌گوید: هیچ آمار رسمی در مورد طلاق‌های عاطفی وجود ندارد و تمامی آمارهای منتشر شده در این باره از طریق تحلیل‌های مراکز مشاوره و مداخله بوده که نمی‌توانند چندان مستند باشند.

طلاق و محاسبات اقتصادی-اجتماعی

عبدالصمد خرمشاهی، حقوقدان و وکیل، با اشاره دو نوع طلاق عاطفی و طلاق رسمی می‌گوید: برخی از زوج‌ها، همان طور که در هنگام ازدواج، به منافع مادی که به‌دست می‌آورند، فکر کرده و محاسباتی می‌کنند، هنگام طلاق هم این منافع را در نظر می‌گیرند. در واقع هم ازدواج و هم طلاق این افراد، بر اساس نوعی منفعت‌سنجی اتفاق می‌افتد. این نگاه مبتنی بر این نظریه است که افراد زمانی تصمیم به ازدواج می‌گیرند که باور کنند منافعی بیش از زمان مجردی خود به دست می‌آورند؛ پس همین محاسبه‌گری را در هنگام تصمیم به طلاق نیز اعمال می‌کنند.

بسیاری از زوجینی که طلاق عقلانی را از سر گذرانده‌اند، پیش از آن مدت زمان زیادی را صرف توجه به اقدام و پیامدهای آن می‌کنند و آمادگی لازم برای مواجهه با پیامدهای پس از آن را در خود پرورش داده‌اند.

ازدواج بد و طلاق خوب!

دکتر سرگلزایی روان پزشک، معتقد است: بر خلاف نظریات کلیشه‌ای رایج در فضای رسانه‌ای کشور نه ازدواج همیشه خوب است و نه طلاق همیشه بد. خیلی از ازدواج‌ها روی سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی افراد اثر مفید دارند. ولی بعضی از ازدواج‌ها هم روی سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی اثر مخرب دارند. همین گزاره در مورد طلاق نیز صحیح است. بنابراین هم ازدواج خوب داریم، هم ازدواج بد. هم طلاق خوب داریم، هم طلاق بد. برخلاف آن چیزی که در فرهنگ ما رایج هست، همه افراد را از نظر روان‌شناسی برای ازدواج مناسب نمی‌بینم. بعضی افراد به درد ازدواج کردن نمی‌خورند. بنابر این توصیه ازدواج به‌صورت یک استاندارد زندگی و به‌عنوان یک مرحله ضروری رشد، برای همه افراد پیام غلطی است.

این که ۴۰ سال پیش آمار طلاق از امروز کمتر بوده، لزوماً به این معنا نیست که ازدواج‌های آن موقع از ازدواج‌های الان موفق‌تر بوده. پژوهشگران حوزه علوم خانواده به این نتیجه رسیده‌اند که همبستگی آماری بین ثبات زناشویی و رضایت زناشویی وجود ندارد؛ بسیاری از افرادی که به طلاق فکر نمی‌کنند به این علت است که تصور زندگی بهتری برای بعد از طلاق ندارند. مثلاً در یک محیط روستایی زنی که طلاق می‌گیرد چه‌طور می‌خواهد بعد از آن زندگی کند؟ چون فرصتی برای ازدواجش مهیا نیست، با همین اوضاع می‌سوزد و می‌سازد. بنابراین لزوماً وقتی آمار طلاق بالا می‌رود، نمی‌توانیم بگوییم که وضع خیلی خراب است یا آن موقع که آمار طلاق پایین‌تر بود وضع خیلی بهتر بود.

هر چه افراد ظرفیت رشد بیشتر و توقع زندگی بهتری داشته باشند، ثبات زناشویی کاهش و آمار طلاق افزایش می‌یابد. یکی از علل افزایش طلاق، افزایش استقلال مالی و اجتماعی زنان است. چنین افزایشی در آمار طلاق شاید یک سیر مثبت باشد. یعنی تعداد زنانی که به اجبار و به دلیل نیاز به حمایت در زندگی زناشویی می‌مانند کاهش یافته است. به نظر من هر وقت که افزایش آمار طلاق به دلیل افزایش استقلال مالی زنان باشد، مثبت است. یعنی یک زن دیگر صرفاً به‌عنوان یک سایه بالاسر با یک مرد زندگی نمی‌کند. زنی است که می‌تواند روی پای خودش بایستد. می‌تواند خودش را اداره کند. پس اگر با مردی زندگی می‌کند به‌خاطر روابط فکری و احساسی است که با او دارد. بنابراین می‌توانیم «طلاق‌های مثبت» هم داشته‌باشیم

یکی دیگر از علل مثبت بالا رفتن آمار طلاق افزایش پویایی روانی افراد یا خلاقیت افراد است. وقتی که افراد پویایی روانی‌شان افزایش پیدا می‌کند از وضعیت ایستایی و استاتیک خارج می‌شوند. با گذشت زمان هم سلیقه‌ها و هم عقیده‌های‌شان تغییر می‌کند. بنابراین دو نفر که زندگی روانی پویایی داشته باشند، در طول ده سال تغییرات گسترده‌ای را از نظر ارزش‌ها، امیال و سبک زندگی تجربه می‌کنند. این که زن و شوهری ده سال همسران مناسبی برای هم بودند به این معنی نیست که حالا هم همسران مناسبی برای هم هستند. بنابراین ایستایی روانی که معادل با کندی رشد روانی است می‌تواند باعث افزایش ثبات زناشویی شود و پویایی روانی که معادل با سرعت رشد روانی است ممکن است باعث کاهش ثبات زناشویی شود.

معمولا جوان‌ها هستند که خیلی سریع تصمیم به جدایی می‌گیرند و دیگر از اسم مطلقه، طلاق و هر آن چه مربوط به دوران بعد از طلاق می‌شود، هراسی ندارند ولی کسانی که در سنین بالا هستند، طلاق را نوعی افت شخصیتی می‌دانند و حاضر به چنین اقدامی نمی‌شوند

بی‌تفاوتی آخرین مرحله روابط بین زن و شوهر است که در آن اصل «بود و نبود» همسر فرقی برای زوج نمی‌کند، بلکه مسائل جنبی دیگر زندگی از جمله مسائل مالی و امنیت اجتماعی زن است که احساس نیاز به همسر را شکل می‌دهد

مشکلات مالی، اجبار خانواده‌ها و... زن و شوهر نمی‌توانند به راحتی از هم جدا شوند. در این شرایط با این که زن و مرد از نظر روانی علاقه‌ای به ادامه زندگی مشترک ندارند، پس از یک دوره طولانی دعوا و کشمکش، از مرحله دشمنی و تنفر عبور می‌کنند و به وضعیت «بی‌تفاوتی» می‌رسند. به اعتقاد طباور، بی‌تفاوتی آخرین مرحله روابط بین زن و شوهر است که در آن اصل «بود و نبود» همسر فرقی برای زوج نمی‌کند، بلکه مسائل جنبی دیگر زندگی از جمله مسائل مالی و امنیت اجتماعی زن است که احساس نیاز به همسر را شکل می‌دهد. در چنین شرایطی البته بر خلاف انتظار، میزان ناهنجاری‌های اجتماعی نسبت به طلاق حقوقی، افزایش پیدا می‌کند و موجب به وجود آمدن ارتباطات خارج از چارچوب خانواده می‌شود. در مرحله طلاق عاطفی، اگرچه زوج در زیر یک سقف زندگی می‌کنند، ولی به لحاظ عاطفی و اجتماعی جدا هستند و در همین زمان اغلب انحرافات و آسیب‌های اجتماعی،

اخبار اجتماعی

اختلالات روانی قرص برنج و افزایش خودکشی



سخنگوی وزارت بهداشت گفت: متاسفانه در پنج الی شش ماه اول سال هر روز ۲ نفر کشته بر اثر مسمومیت قرص برنج داشتیم که این جمعیت بیشتر شامل جوانان است.

ایرج حریرچی با اشاره به این که شیوع اختلالات روانی ۲۳.۴ دهم درصد است، گفت: این آمار در سنین ۱۵ تا ۱۹ سال ۲۱ الی چهاردهم درصد است. هم‌چنین در سنین ۲۰ تا ۲۹ سال ۲۴.۶ دهم درصد است. اختلال اضطراب از خفیف تا زیاد در سنین ۱۵ تا ۱۹ سال ۱۵ الی ۳ دهم درصد است و در سنین ۲۰ تا ۲۹ سال ۱۵.۶ دهم درصد است.

وی افزود اختلال خلقی در سن ۱۵ الی ۱۹ سال ۱۲.۸ درصد و در سنین ۲۰ تا ۲۹ سالگی ۱۵.۱۶ درصد است که این نشان می‌دهد؛ در این زمینه باید اقدامات متعددی را انجام دهیم.

امسال در پنج ماه اول سال ۳۰۸ نفر فوتی ناشی از مصرف قرص برنج داشته‌ایم که به نسبت سال گذشته شاهد ۳۰ درصد افزایش این آمار بوده ایم و سال ۹۶ نسبت به سال ۹۵ مسمومیت با قرص برنج ۷ درصد افزایش داشته است و از سال ۹۰ تاکنون ۴ هزار و ۱۰۹ نفر کشته شده ناشی از مصرف قرص برنج داشته‌ایم.

۲ هزار نوزاد لاکچری در تاریخ ۷ مهر



معاون امور اسناد هویتی سازمان ثبت احوال کشور گفت: تعداد ۲۱۸۷ رویداد ولادت در تاریخ ۹۷/۷/۷ در سطح کشور و ۳۵۲ رویداد در سطح شهر تهران رخ داده و به ثبت رسیده است.

سیف‌الله ابوترابی در مورد تعداد کودکان متولد شده در تاریخ ۷ مهرماه گفت: تعداد ولادت رخ داده و ثبت شده در روز ۹۷/۷/۷ به دلیل استقبال و تمایل خانواده‌ها در سطح کشور ۲ هزار و ۱۸۷ رویداد و در سطح شهر تهران ۳۵۲ رویداد ثبت شده است. وی افزود: با توجه به بازه زمانی مجاز پانزده روزه از زمان رخداد تولد جهت مراجعه والدین و ثبت ولادت، این عدد نوسان خواهد داشت و به آن افزوده خواهد شد.

ابوترابی هم‌چنین تعداد ولادت رخ داده در روزهای مشابه این تاریخ و تمایل خانواده‌ها به تولد فرزندان‌شان در این تاریخ گفت: در روزهای ۹۶/۶/۶ و ۹۵/۵/۵ و ۸۸/۸/۸ به ترتیب ۵ هزار و ۶۸۰ و ۶ هزار و ۱۳ و ۴ هزار و ۱۹۵ رویداد در سطح کشور متولد شده‌اند.

توضیحات پزشکی قانونی درباره «دنیا ویسی»:
تکذیب یک ادعا

رییس سازمان پزشکی قانونی کشور درباره وضعیت پرونده «دنیا ویسی» اظهار کرد: پزشکی قانونی هنوز چیزی در این خصوص اعلام نکرده است.

احمد شجاعی با اشاره به حواشی و شایعات پیش آمده در این خصوص نیز گفت: با توجه به این که ذهنیتی در این خصوص در جامعه ایجاد شد، ما از پزشکی قانونی استان خواستیم که آزمایش‌ها را دوباره و با دقت لازم انجام دهد که این اقدامات در حال انجام است.

رییس سازمان پزشکی قانونی کشور درباره آن چه که از قول یک پزشک درباره وضعیت دنیا نقل شده بود نیز گفت: آن چه که از قول پزشک پزشکی قانونی مطرح شد، به هیچ عنوان صحت ندارد.

هفته گذشته خبر مرگ کودک دبستانی بر اثر ریزش دیوار مدرسه منتشر شد اما چندی بعد برخی منابع ادعای تجاوزی به این کودک و قتل وی را مطرح کرده بودند.

خبر

در گفت‌وگو با ایلنا اعلام شد؛

ایجاد «مدارس توپی» در برخی استان‌ها

رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور از ایجاد «مدارس توپی» در برخی استان‌ها خبر داد.

مهرالله رخشانی‌مهر، درباره استانداردسازی مدارس کپری در استان‌های سیستان و بلوچستان و لرستان گفت: کپر جزو معماری سنتی و بومی منطقه است و این کپرها برای مناطقی است که افراد در آنجا زیاد جابه جا می‌شوند یعنی یا عشایری هستند یا بافت آن منطقه طوری است که خیلی سکونت دائم در آنجا اتفاق نمی‌افتد. طبیعی است، اگر جمعیتی در جایی به صورت دائم مستقر باشند، ما باید برای آنها یک مدرسه با همان مصالح ساختمانی ایجاد کنیم، ولی وقتی مدرسه عشایری است، ساختن مدرسه آجری با مصالح بنایی کار صحیحی نیست، چون آن مدرسه بعد از یک مدتی خالی می‌ماند و دوباره متروکه می‌شود.

رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور تصریح کرد: در این مناطق مدارسی ساخته شده که با کوچ ساکنان، مدرسه خالی از سکنه شده و چون خالی شده امکان دارد، هر کسی از آن استفاده کند. ما هم نمی‌توانیم در هر مدرسه‌ای که خالی شده یک نگهبان بگذاریم تا از آن محافظت کند. عملا کپرزدایی اتفاق نمی‌افتد، زیرا آن جمعیت از جایی که برایش مدرسه را ساخته‌ایم، جا به جا می‌شود و به جای دیگری می‌رود و در جای جدید خود مجدد کپر را ایجاد می‌کند.

او افزود: در این میان معماری سنتی و منطقه‌ای که شبیه به کپر باشد، مدارس توپی یا توپی کلاس‌ها هستند. پروژه این نوع مدارس قبلا در سیستان و بلوچستان اجرا شده و موفق بوده است. این مدارس حدود ۴۰ متر مربع زیر بنا دارند که علاوه بر ارزان بودن در برابر سرما و گرما مقاومت بیشتری دارند و با مصالح بنایی ساخته می‌شوند. توپی کلاس‌ها با استقبال خوبی در سیستان و بلوچستان رو به رو شدند به همین دلیل تصمیم گرفتیم یک یا دو مورد مشابه همین توپی کلاس‌ها را در استان‌های لرستان و هرمزگان ایجاد کنیم و اگر نتیجه داد آن را گسترش دهیم.

وی با اشاره به اینکه در حال حاضر تصمیم بر آن است که یک یا دو مورد توپی کلاس در استان لرستان ساخته شود، گفت: اگر مردم از آن استقبال کردند و با معماری منطقه جور درآمد، توسعه‌اش می‌دهیم و قاعدتا امسال اتفاق خواهد افتاد. قبلا هر توپی کلاس ۲۵ میلیون تومان هزینه می‌برد و الان حدود ۴۰ میلیون تومان هزینه دارد.

رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور با اشاره به افزایش اعتبارات سازمان نوسازی گفت: اعتبارات این سازمان یک‌هزار و ۷۱۰ میلیارد تومان شده است؛ یعنی ما برای نخستین بار در تاریخ سازمان نوسازی مدارس نسبت به عدد مصوب ۱۱۰ درصد تخصیص و نسبت به عدد ابلاغی ۱۴۷ درصد تخصیص گرفتیم.